

مقایسه مشکلات رفتاری (اختلال سلوک، مشکلات توجه-ناپختگی، پرخاشگری اجتماعی، اضطراب-گوشه گیری) در کودکان طلاق و عادی

مژگان عباسی آبرزگه (نویسنده مسئول)^۱، فاطمه مهناز مشایخ^۲، محمد شاهرودی^۳

^۱ دانشجوی دکترا روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

^۲ کارشناسی ارشد روانسنجی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

^۳ کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه پیام نور واحد قزوین

چکیده

هدف پژوهش حاضر مقایسه مشکلات رفتاری (اختلال سلوک، مشکلات توجه-ناپختگی، پرخاشگری اجتماعی و اضطراب-گوشه گیری) در کودکان طلاق و عادی بود. روش پژوهش از نوع علی-مقایسه‌ای؛ و جامعه آماری پژوهش دانش‌آموزان دختر و پسر متوسطه اول (۱۳-۱۵ سال) خانواده‌های طلاق و عادی شهرستان رباط کریم در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ مدارس عادی بود. نمونه ۱۲۰ نفر نوجوان طلاق و عادی بود، به گونه‌ای که هرگروه شامل ۶۰ نفر (۳۰ دختر و ۳۰ پسر)، بودند که با روش نمونه-گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. برای سنجش متغیرهای مورد مطالعه از پرسشنامه کوای پترسون (RBPC)، فرم معلم ساخته استفاده شد. تحلیل داده‌ها استفاده روش تحلیل واریانس چند متغیره (MANOVA) نشان داد که مشکلات رفتاری در خرده مقیاس‌های اختلال سلوک، مشکلات توجه-ناپختگی، پرخاشگری اجتماعی و اضطراب-گوشه‌گیری در فرزندان خانواده‌های طلاق به طور معناداری بالاتر از فرزندان خانواده‌های عادی بود.

واژه‌های کلیدی: اختلال سلوک، اضطراب، گوشه‌گیری، پرخاشگری اجتماعی، مشکلات توجه، ناپختگی، فرزندان طلاق

۱. مقدمه

خانواده جایگاهی امن برای ارضای نیازهای گوناگون جسمانی، عقلانی و عاطفی است. بنابراین آگاهی از نیازهای زیستی و روانی و شناخت چگونگی ارضای آن‌ها بسیار ضروری است [۱]. یکی از مهم‌ترین معضلاتی که بر فرد، جامعه و به خصوص کودکان، آسیب‌های مخرب و منفی دارد، تعارضات زناشویی و اختلاف والدین و در نهایت جدایی و طلاق^۱ است [۲]. آمارها حاکی از این است که نرخ طلاق در نقاط مختلف دنیا از جمله ایران در حال افزایش است، طبق گزارش سازمان ثبت احوال، تعداد کل طلاق‌های ثبت شده در ایران در سال ۱۳۸۵، ۹۴۰۳۹ مورد بوده است. در حالی که در سال ۱۳۹۱ تعداد طلاق‌های ثبت شده در کشور ۱۵۰۳۲۴ مورد می‌باشد. سازمان ثبت احوال کشور آمار طلاق را تا بهمن ماه سال ۱۳۹۵ برابر ۱۶۵۹۸۱ مورد اعلام داشته است [۳].

تغییر در ساختار خانواده با ایجاد فشار و استرس برای تمامی اعضای خانواده همراه است و اغلب موجب افزایش مشکلات اقتصادی، اجتماعی و افزایش احتمال سازگاری روانشناختی پایین در بین اعضای خانواده می‌شود [۴]. رابطه بین طلاق و سلامت روانشناختی فرزندان بسیار پیچیده است و این نکته را خاطر نشان می‌سازد که طلاق صرفاً یک رویداد نیست بلکه فرآیندی است که تأثیرات کوتاه‌مدت و بلندمدت را به وجود می‌آورد [۵]. جانسون^۲ (۲۰۱۱) [۶]، بیان می‌کند که سلامت روان در افرادی که خانواده خود را غیر پاسخگو می‌پندارد و یا والدین‌شان از هم جدا شده‌اند به صورت معنادار از سایر افراد پایین‌تر است. نتایج پژوهش‌ها نشانگر آن است که به طور متوسط فرزندان خانواده‌های تک والدی نسبت به فرزندان خانواده‌های سالم از لحاظ پیشرفت تحصیلی و اعتماد به خود، مهارت‌های اجتماعی و رفتاری از مشکلات بسیار بیشتری رنج می‌برند [۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱]. استروکسن، رویسمب، مام و تامبس^۳ (۲۰۰۵) [۱۲]، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که طلاق والدین با تغییرات نسبی در اضطراب، افسردگی، بهزیستی ذهنی، عزت نفس، مشکلات تحصیلی و مدرسه همراه است. همچنین، یافته‌ها نشان می‌دهد: فردی که والدین آن در کودکی جدا شده‌اند، دارای مشکلاتی با شریک زندگی خود در بزرگسالی می‌باشد که این مشکلات بازتاب جدایی والدین او در کودکی است [۱۳]. برخی احساسات عمومی در چنین کودکانی عبارت است از: انکار و تکذیب، احساس باخت، اضطراب، ناسازگاری و بدقلق بودن، تنهایی و گرایش به انزوا، خشونت، نداشتن ثبات قدم و دردهای جسمی نظیر سردرد، بی‌اشتهایی، حالت تهوع و استفراغ [۱۴]. از آن‌جا که دانش‌آموزان طلاق با مشکلات عدیده‌ای روبرو هستند، لذا پرداختن به مشکلات این دانش‌آموزان اهمیت فراوان دارد. از جمله مشکلات رفتاری که در این مطالعه بررسی شده است، اختلال سلوک^۴، مشکلات توجه-ناپختگی^۵، پرخاشگری اجتماعی^۶، اضطراب-گوشه‌گیری^۷ است.

اختلال سلوک با ویژگی‌های رفتاری پرخاشگرانه، فریب یا دزدی، تخریب اموال و نقض جدی قوانین، قبل از سن ۱۸ سالگی مشخص می‌شود [۱۵]. رفتارهای مقابله جویانه و سلوک شایع‌ترین مواردی هستند که نوجوانان جهت مشاوره برای درمان این موارد به سبک‌های بهداشت روان ارجاع می‌کردند و حدود یک دوم تا یک سوم کل مراجعین را شامل می‌گردند. رفتارهایی که بدون تأمل به نتایج آن‌ها بدون تحلیل و ارزیابی دستاوردهای مثبت و منفی انجام می‌شوند به عنوان رفتارهای

^۱. Divorce^۲. Johnson^۳. Storksens, Roysamb, Mom & Tambs^۴. Conduct disorder^۵. Problems of Attention-Impatience^۶. Social aggression^۷. Anxiety-Corruption

ناپخته و رفتارهای نابالغانه شناخته می‌شوند. همچنین نتایج نشان داده است که رفتارهای سلوک در نوجوانان خانواده‌های از هم پاشیده بیشتر گزارش شده است [۱۶، ۱۷].

از دیگر متغیری که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است مشکلات توجه و کناره‌گیری می‌باشد. توجه یک مفهوم مورد مطالعه در روانشناسی شناختی است که به نحوه پردازش اطلاعات خاص در محیط زندگی اشاره دارد [۱۸]. سهرابی، یعقوبی و مفیدی (۱۳۹۰) [۱۹]، در پژوهش خود نشان دادند که کودکان خانواده‌های طلاق کناره‌گیری بیشتری از خود نشان می‌دهند زیرا این کودکان طرد را به واسطه جدایی والدین خود تجربه کرده‌اند به همین دلیل از اجتماع کناره‌گیری بیشتری دارند و ممکن است با توجه به تحمل تنش‌های گذشته اختلالاتی در زمینه پختگی اجتماعی و توجه متناسب با سن خود نشان دهند. همچنین متغیر دیگر مورد بررسی در پژوهش حاضر پرخاشگری است. پرخاشگری اختلالی است که در کودکان و نوجوانان به صورت‌های مختلف بروز می‌کند و یک مشکل در حال رشد در نوجوانان است [۲۰]. پرخاشگری عملی است که هدفش اعمال صدمه و رنج باشد. می‌توان گفت شیوع پرخاشگری در میان نوجوانان بی‌سرپرست و والدین جدا شده بسیار بیش‌تر از کودکان دارای سرپرست است [۲۱، ۲۲، ۱۴، ۲۳].

همچنین گوشه‌گیری به معنای تنها و مجرد ماندن در خلوت و از جمع کناره گرفتن است، به طوری که فرد گوشه‌گیر از مردم دوری می‌کند و در جمع حضور نمی‌یابد [۲۴]. هنگامی که خانواده به واسطه طلاق تغییر ساختار می‌دهد، انزوای اجتماعی ممکن است برای تمامی اعضای خانواده اتفاق بیفتد [۵]. در تعریف اضطراب می‌توان گفت، اضطراب یک احساس منتشر، ناخوشایند و مبهم، هراس و دلواپسی، منشاء ناشناخته، که به فرد دست می‌دهد و شامل عدم اطمینان، درماندگی و برانگیختگی فیزیولوژی است [۲۵]. کرمی، دهقانی و پولادی ریشهری (۱۳۹۴) [۲۶] در پژوهش خود نشان دادند که جدایی والدین و تنش میان آنها از عوامل بروز اضطراب می‌باشد که در نتیجه‌گیری کلی می‌توان چنین بیان کرد که اضطراب در فرزندان خانواده‌های گسسته بالاتر است.

امروزه و در جامعه کنونی به طور نگران کننده‌ای شاهد افزایش طلاق در میان زوجین هستیم، که پیامدهای فردی و اجتماعی مهمی را به همراه داشته و فرزندان از جمله گروه‌هایی هستند که به میزان زیادی تحت‌تأثیر پیامدهای ناشی از طلاق قرار می‌گیرند لذا، توجه به این گروه از افراد بسیار مهم می‌باشد. به نظر می‌رسد بتوان از طریق شناخت پیامد طلاق بر کودکان و شناخت مشکلات رفتاری کودکان طلاق در حل بسیاری از مشکلات این گروه آسیب‌پذیر بهره جست. لذا مهم‌ترین مسئله پژوهش حاضر عبارت است از اینکه «آیا تفاوت بارزی میان مشکلات رفتاری که شامل: اختلال سلوک، مشکلات توجه-ناپختگی، پرخاشگری اجتماعی، اضطراب-گوشه‌گیری، در دو گروه کودکان طلاق و عادی وجود دارد؟».

۲. روش پژوهش

از آنجا که پژوهش حاضر مشکلات رفتاری (اختلال سلوک، مشکلات توجه-ناپختگی، پرخاشگری اجتماعی، اضطراب-گوشه‌گیری) دو گروه کودکان طلاق و عادی را مقایسه کرده است، روش تحقیق از نوع علی-مقایسه‌ای بوده است. در پژوهش حاضر جامعه آماری دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول مدارس دولتی شهرستان رباط کریم، در سال تحصیلی ۹۷-۹۶ بود سن این دانش‌آموزان بین ۱۳ تا ۱۵ سال بودند. با توجه به اصل فوق تحقیق حاضر که از نوع علی-مقایسه‌ای می‌باشد ۶۰ نفر از هر گروه، که ۳۰ نفر دختر و ۳۰ نفر پسر (جمعاً ۱۲۰ دانش‌آموز) به عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شده‌اند و روش نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای بود که از طریق مراجعه به مدارس متوسطه اول نمونه در دو گروه طلاق و عادی به شکل تصادفی از دانش‌آموزان مدرسه انتخاب شده است.

۳. ابزارهای اندازه‌گیری

پرسشنامه مشکلات رفتاری کودکان و نوجوانان کوای و پترسون^۸ (RBPC) [۲۷] فرم تجدید نظر شده: این پرسشنامه شامل ۸۸ سوال است و هدف آن بررسی مشکلات رفتاری کودکان و نوجوانان (اختلال سلوک، مشکلات توجه-ناپختگی، پرخاشگری اجتماعی، اضطراب- گوشه‌گیری) می‌باشد. پرسشنامه مشکلات رفتاری شامل ۴ عامل می‌باشد که عامل اول: اختلال سلوک، عامل دوم: مشکلات توجه و ناپختگی، عامل سوم مربوط به پرخاشگری اجتماعی و عامل چهارم اضطراب- گوشه‌گیری است. و شماره سوالات مربوط به هر بعد شامل اختلال سلوک ۳۸-۱، مشکلات توجه- ناپختگی ۷۱-۳۹، پرخاشگری اجتماعی ۸۰-۷۲، اضطراب- گوشه‌گیری ۸۸-۸۱ می‌باشد. برای نمره‌گذاری این پرسش‌نامه، نمره صفر، یک و دو به کار برده می‌شود. نمره دو به مشکل رفتاری که به صورت حاد دیده شود، نمره یک به مشکلاتی که صورت حاد ندارند و نمره صفر به عدم وجود مشکلات رفتاری داده می‌شود. بیش‌ترین نمره به دست آمده برای هر خرده آزمون دو برابر شماره گویه‌ها در آن خرده آزمون و کمترین نمره برای هر خرده آزمون صفر می‌باشد. دامنه مشکلات فرد از صفر تا ۱۷۶ نوسان دارد. در پژوهش شهیم و همکاران (۱۳۸۶) [۲۸] روایی پرسشنامه کوای و پترسون به روش همبستگی گویه‌ها با نمره کل، تحلیل عوامل و همبستگی بین نمرات پرسشنامه با نمرات پرسشنامه رفتار کودک راتر (۰/۸۸) بدست آمد و تحلیل عوامل با مؤلفه‌های اصلی و سپس چرخش واریماکس، استخراج چهار عامل با ارزش ویژه بیشتر از یک را در پی داشت که عبارتند از: اختلال سلوک، مشکلات توجه- ناپختگی، پرخاشگری اجتماعی و اضطراب- گوشه‌گیری. به منظور محاسبه پایایی آن از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید. نتایج آزمون کرونباخ برای عامل اختلال سلوک ۰/۹۷٪، مشکلات توجه- ناپختگی ۰/۹۷٪، پرخاشگری اجتماعی ۰/۸۲٪، اضطراب- گوشه‌گیری ۰/۸۵٪ و برای مقیاس کل ۰/۹۸٪ بیان شده است. در پژوهش حاضر اعتبار کل پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۸۴ برآورد شد. اعتبار مقیاس اختلال سلوک ۰/۹۵۵، اعتبار مقیاس مشکلات توجه- ناپختگی ۰/۹۷۱، اعتبار مقیاس پرخاشگری اجتماعی ۰/۹۴۲ و اعتبار مقیاس اضطراب- گوشه‌گیری ۰/۸۵۸ برآورد شد. این میزان اعتبار برای پرسشنامه نشانگر اعتبار بالای پرسشنامه مذکور است. تحلیل عاملی پاسخ‌های آزمودنی‌ها نشانگر روایی عاملی پرسشنامه در نمونه مورد مطالعه بود [۲۸].

۴. یافته‌ها

در جدول ۱ شاخص‌های توصیفی متغیرهای وابسته پژوهش گزارش شده است.

جدول ۱ شاخص‌های توصیفی متغیرهای وابسته پژوهش

متغیر	گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار
اختلال سلوک	کودکان عادی	۶۰	۵۰/۴۹	۱۴/۹۴
	کودکان طلاق	۶۰	۲۰/۷۸	۱۳/۹۴
	کل	۱۲۰	۳۵/۳۸	۲۰/۷۲
مشکلات توجه- ناپختگی	کودکان عادی	۶۰	۴۱/۵۴	۱۴/۶۸
	کودکان طلاق	۶۰	۱۶/۰۷	۱۲/۳۸
	کل	۱۲۰	۲۸/۵۸	۱۸/۶۰
پر خاشگری اجتماعی	کودکان عادی	۶۰	۹/۸۲	۵/۵۸
	کودکان طلاق	۶۰	۲/۷۶	۳/۹۴
	کل	۱۲۰	۶/۲۳	۵/۹۶
اضطراب- گوشه‌گیری	کودکان عادی	۶۰	۱۰/۱۹	۳/۷۰
	کودکان طلاق	۶۰	۵/۰۲	۳/۱۱
	کل	۱۲۰	۷/۵۶	۴/۲۷

^۸. Quay & Peterson

برای آزمون فرضیه کلی پژوهش از تحلیل واریانس چند متغیره استفاده شد. برای کاهش خطای نوع اول از تصحیح بنفرونی و به جای آلفای رسمی از آلفای تعدیل شده استفاده گردید. بدین ترتیب در پژوهش حاضر آلفای ۰/۰۵ بر تعداد متغیرهای وابسته تقسیم و سطح معناداری ۰/۰۱۲۵ در نظر گرفته شد. متغیرهای وابسته با یکدیگر ارتباط خطی و معنادار دارند و در عین حال مسأله هم خطی چندگانه بین زوج متغیرها وجود ندارد و بدین ترتیب یکی از مفروضه های اصلی تحلیل واریانس چند متغیری وجود دارد. از آنجائی که متغیرهای اختلال سلوک، مشکلات توجه - ناپختگی، اضطراب و گوشه گیری، و پرخاشگری اجتماعی به هم مربوطند، و میزان همبستگی این متغیرها با یکدیگر قابل توجه است. از این گذشته سایر شرایط همگنی ماتریس های واریانس - کوواریانس با آزمون باکس و بهنجاری توزیع با آماره اسمیرنف نیز برقرار است. جدول ۲ نتیجه تحلیل واریانس چند متغیره برای نمرات مقیاس های چهارگانه آزمودنی ها را گزارش کرده است.

جدول ۲ نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیره برای نمرات مقیاس های چهارگانه آزمودنی های پژوهش

نام آزمون	ارزش	درجه آزادی	درجه آزادی خطا	مقدار آماره F	سطح معنی داری	η^2
اثر پیلایی	۰/۵۳۰	۴	۱۱۱	۳۱/۲۷۵	$P < ۰/۰۰۱$	۰/۵۳۰
لامبدای ویلکز	۰/۴۷۰	۴	۱۱۱	۳۱/۲۷۵	$P < ۰/۰۰۱$	۰/۵۳۰
اثر هتلینگ	۱/۱۲۷	۴	۱۱۱	۳۱/۲۷۵	$P < ۰/۰۰۱$	۰/۵۳۰
بزرگترین ریشه روی	۱/۱۲۷	۴	۱۱۱	۳۱/۲۷۵	$P < ۰/۰۰۱$	۰/۵۳۰

اطلاعات جدول ۲ نشان می دهد که: بین اختلال سلوک، مشکلات توجه - ناپختگی، پرخاشگری اجتماعی و اضطراب - گوشه گیری کودکان طلاق و عادی تفاوت معنی دار داشته است. ($F = ۳۱/۲۷۵$ ، $P < ۰/۰۰۱$).
جدول ۳ نتایج آزمون لوین برای برابری واریانس های نمرات مقیاس های چهار گانه آزمودنی های پژوهش گزارش می کند.

جدول ۳ نتیجه آزمون لوین برای برابری واریانس های نمرات آزمودنی های پژوهش

متغیر	نسبت F	d.f _۱	d.f _۲	sig
اختلال سلوک	۰/۸۲۷	۱	۱۱۴	۰/۳۶۵
مشکلات توجه - ناپختگی	۳/۴۷۲	۱	۱۱۴	۰/۰۶۵
پرخاشگری اجتماعی	۴/۵۵۶	۱	۱۱۴	۰/۰۵۲
اضطراب - گوشه گیری	۳/۴۶۵	۱	۱۱۴	۰/۰۶۵

جدول ۴ نتایج تحلیل واریانس یک متغیره برای نمرات مقیاس های چهارگانه آزمودنی های گروه کنترل و آزمایش گزارش می کند.

جدول ۴ نتایج تحلیل کواریانس یک کتغیره مربوط به مقیاس های چهارگانه کواریانس

منابع تغییرات	S.S	d.f	M.S	F	P	ضریب اتا
اختلال سلوک	۲۵۵۲/۹۲۹	۱	۲۵۵۹۲/۹۲۹	۱۲۲/۶۸۹	۰/۰۰۰۱	۰/۵۱۸
خطا	۲۳۷۸۰/۳۸	۱۱۴	۲۰۸/۶۰۰			
مشکلات توجه - ناپختگی	۱۸۸۱۶/۲۰۹	۱	۱۸۸۱۶/۲۶۹	۱۰۲/۲۷۳	۰/۰۰۰۱	۰/۴۷۳
خطا	۲۰۹۷۳/۸۶۹	۱۱۴	۱۸۳/۹۸۱			
اضطراب - گوشه گیری	۱۴۴۵/۷۹۲	۱	۱۴۴۵/۷۹۲	۶۲/۵۰۵	۰/۰۰۰۱	۰/۳۵۴
خطا	۲۶۳۶/۹۲۴	۱۱۴	۲۳/۱۳۱			
پرخاشگری اجتماعی	۷۷۶/۷۱۷	۱	۷۷۶/۷۱۷	۶۶/۵۸۳	۰/۰۰۰۱	۰/۳۶۹
خطا	۱۳۲۹/۸۶۰	۱۱۴	۱۱/۶۶۵			

جدول ۴ نشان می‌دهد بین هر کدام از مقیاس‌های اختلال سلوک، مشکلات توجه-ناپختگی، پرخاشگری اجتماعی و اضطراب- گوشه‌گیری به تنهایی در کودکان طلاق و عادی تفاوت معنادار داشته است. یعنی برای مقیاس اختلال سلوک ($F=122/689$ ، $P\leq 0/001$)؛ برای مشکلات توجه-ناپختگی ($F=102/273$ ، $P\leq 0/001$)؛ برای پرخاشگری اجتماعی ($F=62/505$ ، $P\leq 0/001$)؛ و برای اضطراب- گوشه‌گیری ($F=66/583$ ، $P\leq 0/001$) است.

۵. نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر مقایسه مشکلات رفتاری (اختلال سلوک، مشکلات توجه-ناپختگی، پرخاشگری اجتماعی، اضطراب-گوشه‌گیری) در کودکان طلاق و عادی بود. نتیجه پژوهش حاضر نشان داد که بین میزان اختلال سلوک، مشکلات توجه-ناپختگی، پرخاشگری اجتماعی، اضطراب-گوشه‌گیری، در کودکان طلاق و عادی تفاوت معناداری وجود دارد. تحقیقاتی هم که در زمینه کودکان طلاق انجام شده است نشان‌دهنده‌ی همین مطلب است که طلاق والدین می‌تواند یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در بروز اختلالات رفتاری کودکان باشد.

همانگونه که بیان شد همبستگی بالا و معنادار بین تعارضات بین والدین از جمله طلاق و با مشکلات رفتاری در کودکان دختر و پسر که شاهد این تعارضات بوده‌اند، وجود دارد. این نتایج همسو با نتایج پژوهش مارکوس (۲۰۰۱) [۱۱] می‌باشد. در بعد اختلال سلوک و همچنین رابطه‌ای که میان این اختلال با پرخاشگری وجود دارد نتایج پژوهش با تحقیق هنترینگتون و اوکانر (۱۹۹۳) [۱۶]، و ریس و همکاران (۱۹۹۵) [۱۷]، همسو است بدین صورت که افراد دارای اختلال سلوک پرخاشگری بیشتری را گزارش کرده‌اند و این پرخاش در کودکان خانواده‌های طلاق بیش از کودکان دیگر است. هنترینگتون و اوکانر (۱۹۹۳) [۱۶] و ریس و همکاران (۱۹۹۵) [۱۷]، مهم‌ترین ویژگی‌های که در بروز اختلال سلوک و رفتار پرخاشگرانه مؤثر می‌دانند، تعارضات زناشویی و طلاق می‌باشد. همچنین تحقیق حاضر با پژوهش‌های برنادی و ردل (۲۰۱۴) [۷] و اینسورن (۲۰۱۵) [۸] در زمینه‌ی تأثیر طلاق بر عملکرد فرزندان و اختلال در وضعیت روانی و تحصیلی کودک همسو می‌باشد بدین صورت که فرزندان طلاق و خانواده‌های گسسته مشکلات بارزی در توجه و تمرکز و اخلاق پخته اجتماعی دارند.

همان‌طوری که نتایج پژوهش نیز نشان داد در بعد پرخاشگری نیز تفاوت فاحشی میان دو گروه از کودکان طلاق و عادی مشاهده شده است که این نتایج با نتایج پژوهش‌های آماتو و کیت (۱۹۹۱) [۱۴]، شهنی ییلاق و همکاران (۱۳۹۱) [۲۹] و آوردیجک و همکاران (۲۰۱۲) [۲۳]، مبنی بر اینکه جدایی والدین از یکدیگر زمینه ساز عصیان و پرخاشگری در فرزندان می‌شود، همخوانی دارد.

در بعد اضطراب نیز بین دو گروه دانش‌آموزان با والدین عادی و مطلقه تفاوت مشاهده شد. بدین معنی که کودکان طلاق نسبت به کودکان عادی اضطراب بالاتری داشتند. نتیجه این پژوهش در مقیاس سنجش اضطراب نیز با تحقیق کرمی، دهقانی، یوسفی و پولادی (۱۳۹۴) [۲۶]، عباسی آبرزگه (۱۳۹۷) [۳] و کاهنی، حسن‌آبادی و سعادت‌جو (۱۳۷۹) [۳۰] همخوانی دارد.

از آنجا که خانواده برای کودکان محل امنی است که در آن باید احساس آرامش و امنیت کنند؛ بدیهی است که در صورت تعارضات زناشویی و جدایی والدین چنین آرامش و امنیتی در خانواده وجود ندارد و نتیجه احتمالی آن اضطراب و احساس ناامنی است. در تبیین یافته‌ها می‌توان گفت یکی از اختلالات رفتاری رایج در میان کودکان، پرخاشگری ناشی از طلاق والدین آنها است که اثرات شوم آن، در تمام عمر همراه با کودک است و تمام زمینه‌های روانی و زندگی وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد همچنین اثرات منفی طلاق بر پسرهای بیش از دختران بوده و پسران بیشتر از دختران با رفتارهای بیرونی و کنترل شده مانند پرخاشگری، رفتار منفی و قشقرق، به طلاق والدین واکنش نشان می‌دهند و دختران بیشتر با کناره‌گیری، اضطراب و گوشه‌گیری واکنش نشان می‌دهند. اسپینگلمن، اسپینگلمن و انگلسون (۱۹۹۳) [۲۲] با بررسی نقاشی خانواده‌ی کودکان طلاق و غیر طلاق دریافتند کودکان والدین طلاق، زمانی که شاهد تضاد و اختلافات والدین هستند اضطراب بالاتری را نشان می‌دهند و محیط خود را پرخاشگرانه، درک می‌کنند که به تدریج تغییراتی در شخصیت آنها به وجود می‌آید. همچنین

در بعد گوشه‌گیری نیز نتایج پژوهش نشان داده است که گوشه‌گیری و انزوا در خانواده‌های گسسته و فرزندان این خانواده‌ها بیشتر از خانواده‌های عادی است. نتایج این پژوهش با یافته سهرابی و همکاران (۱۳۹۰) [۱۹] مبنی بر اینکه بین گوشه‌گیری دو گروه دانش‌آموزان با والدین عادی و مطلقه تفاوت معناداری وجود دارد همسو می‌باشد.

هر مطالعه‌ای به طور اجتناب‌ناپذیر دچار محدودیت می‌گردد که تفسیر یافته‌ها را در بستر محدودیت‌ها ضروری می‌سازد. از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان گفت که نتایج پژوهش حاضر قابل تعمیم به کودکان مقطع متوسطه اول شهرستان رباط کریم بوده است، و در صورت تعمیم به سایر کودکان باید با احتیاط و دانش کافی صورت گیرد. با توجه به گستره‌ی نظری موجود، یافته‌ها و محدودیت‌های حاضر، پیشنهاد می‌شود تا در پژوهش‌های بعدی از روش‌های درمانی که اثر بخشی آنها در بهبود مشکلات رفتاری کودکان تایید شده است به صورت مقایسه‌ای استفاده شود. همچنین پیشنهاد می‌گردد که توجه به کودکان در معرض آسیب در لیست برنامه‌های آموزشی مدارس قرار گیرد تا درمانگران بتوانند با توجه به شناخت مشکلات رفتاری کودکان آسیب‌دیده نسبت به درمان مشکلات کودکان اقدام کنند.

۶. قدردانی

با تشکر و قدردانی از مدیران و معلمان مدارس مقطع متوسطه اول، شهرستان رباط کریم استان تهران که نهایت همکاری را با نگارندگان این پژوهش انجام دادند.

۷. منابع و مراجع

۱. Edalati, A. & Redzuan, M. (۲۰۱۰). Perception of women towards family values and their marital satisfaction. *Journal of American science*, ۶(۴), ۱۳۲-۱۳۷.
۲. قربانی، بیژن. (۱۳۸۵). مقایسه افسردگی در کودکان و نوجوانان خانواده‌های عادی و خانواده‌های متقاضی طلاق شهر اصفهان. دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، شماره ۲۷، پیاپی ۲۸، ۹۲-۱۱۸.
۳. عباسی آبرزگه، مژگان. (۱۳۹۷). مقایسه علایم اختلالات اضطرابی، ابراز هیجان و پذیرش اجتماعی در کودکان طلاق دارای تجربه مرگ والدین و عادی، به راهنمایی: سعید آریاپوران، دانشگاه ملایر، کارشناسی ارشد، روانشناسی عمومی.
۴. Martínez-Pampliega, A., Aguado, V., Corral, S., Cormenzana, S., Merino, L., & Iriarte, L. (۲۰۱۵). Protecting Children After a Divorce: Efficacy of Egokitzen—An Intervention Program for Parents on Children's Adjustment. *Journal of Child and Family Studies*, ۲۴(۱۲), ۳۷۸۲-۳۷۹۲.
۵. Amato, P. R. (۲۰۱۴). The consequences of divorce for adults and children: An update, *Drustvena Istrazivanja*, ۲۳(۱), ۵.
۶. Johnson, V. I. (۲۰۱۱). Adult children of divorce and relationship education: Implications for counselors and counselor educators. *The Family Journal*, ۱۹(۱), ۲۲-۲۹.
۷. Bernardi, F., & Radl, J. (۲۰۱۴). The long-term consequences of parental divorce for children's educational attainment. *Demographic research*, ۳۰, ۱۶۵۳-۱۶۸۰.
۸. Inthorn, S. (۲۰۱۵). Parent-child attachment in single parent families (Bachelor's thesis).
۹. Babalis, T., Tsoi, K., Nikolopoulos, V., & Maniatis, P. (۲۰۱۴). The effect of divorce on school performance and behavior in preschool children in Greece: An empirical study of teachers' views. *Psychology*, ۵(۱۰), ۲۰.
۱۰. Ryan, R. M., Claessens, A., & Markowitz, A. J. (۲۰۱۵). Associations between family structure change and child behavior problems: The moderating effect of family income. *Child development*, ۸۶(۱), ۱۱۲-۱۲۷.

۱۱. Marcus, N. E., Lindahl, K. M., & Malik, N. M. (۲۰۰۱). Interparental conflict, children's social cognitions, and child aggression: A test of a mediational model. *Journal of Family Psychology*, ۱۵, ۳۱۵-۳۳۳.
۱۲. Størksen, I., Røysamb, E., Moum, T., & Tambs, K. (۲۰۰۵). Adolescents with a childhood experience of parental divorce: a longitudinal study of mental health and adjustment. *Journal of adolescence*, ۲۸(۶), ۷۲۵-۷۳۹.
۱۳. Fergusson, D. M., McLeod, G. F., & John Horwood, L. (۲۰۱۴). Parental separation/divorce in childhood and partnership outcomes at age ۳۰. *Journal of child psychology and psychiatry*, ۵۵(۴), ۳۵۲-۳۶۰.
۱۴. Amato, p., & Keith (۱۹۹۱). Parental divorce & the well-being of children: A meta-analysis, *Psychology bulletin*, ۱۱۰(۱), ۲۶-۴۶.
۱۵. سلمانیان، مریم؛ جوکاریان، علی اکبر؛ کلاهی، علی اصغر؛ ابدی، علی رضا؛ کرامتی نیا، علی اصغر؛ محمدی، محمدرضا. (۱۳۹۴). بررسی دل بستگی به خدا و بخشش میان نوجوانان دچار اختلال سلوک در کانون اصلاح و تربیت شهر تهران. سلامت اجتماعی، دوره ۲، شماره ۱، ۵۶-۶۷.
۱۶. Hetherington, E.M, T. & Connor, T. (۱۹۹۳). Divorce: challenges, changes, and new chance. In F. Walsh (ed), *normal family processes*, ۲nd ed, pp. ۲۰۸ – ۲۳۴.
۱۷. Reiss, D., Hetherington, E. M., Plomin, R., Howe, G. W., Simmens, S. J., & Henderson, S. H. (۸). & Law, T. (۱۹۹۵). Genetic questions for environmental studies: Differential parenting and psychopathology in adolescence. *Archives of General Psychiatry*, ۵۲(۱۱), ۹۲۵-۹۳۶.
۱۸. James, W. (۱۸۹۰). *The Principles of Psychology*. New York: Henry Holt and Company the Principles of Psychology.
۱۹. سهرابی، فرامرز؛ یعقوبی، کژال؛ مفیدی، فرخنده. (۱۳۹۰). بررسی و مقایسه میزان پر خاشگری کودکان طلاق و عادی، فصلنامه مطالعات روان شناختی، دوره ۱، شماره ۷، ۹۷-۱۱۰.
۲۰. ابوالمعالی، خدیجه. (۱۳۹۰). پیش بینی اضطراب، تهاجم و سواد اجتماعی در کودکان پیش دبستانی بر اساس کمال گرایی ناسازگار والدین. روانشناسی آموزشی، دوره ۱، شماره ۴، ۲۵-۳۵.
۲۱. خزایی، حبیب الله؛ اسدی، ماندانا؛ محمدی، هیوا. (۱۳۹۰). مقایسه اثربخشی دو روش رفتار درمانی «تقویت و پاداش» و روش شناخت درمانی «الیس» بر میزان پر خاشگری کودکان بی سرپرست. مجله دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه (بهبود)، دوره ۶، شماره ۱۵، ۴۰۸-۴۱۴.
۲۲. Spigelman, G., Spigelman, A., & Engleson, I. L. (۱۹۹۳). Analysis of family drawings: A comparison between children from divorce and non-divorce families. *Journal of divorce & Remarriage*, ۱۸(۱-۲), ۳۱-۵۴.
۲۳. Averdijk, M., Malti, T., Eisner, M., & Ribeaud, D. (۲۰۱۲). Parental separation and child aggressive and internalizing behavior: an event history calendar analysis. *Child Psychiatry Hum Dev*, ۴۳(۲), ۱۸۴-۲۰۰.
۲۴. شفیع آبادی عبدالله. (۱۳۹۵). راهنمایی و مشاوره کودک (راهنمایی و کاربردها)، تهران: انتشارات سمت.
۲۵. Kaplan, B. J. (۲۰۱۶). *Kaplan and Sadock's Synopsis of Psychiatry. Behavioral Sciences/Clinical Psychiatry*. *Tijdschrift voor Psychiatrie*, ۵۸(۱), ۷۸-۷۹.
۲۶. کرمی، سجاد؛ دهقانی، یوسف؛ پولادی ریشه‌ری، علی. (۱۳۹۴). بررسی میزان اضطراب جدایی و افسردگی در فرزندان طلاق و عادی در شهر دهدشت، کنفرانس سالانه رویکرد های نوین پژوهشی در علوم انسانی، تهران، موسسه ایده پرداز پایتخت ویرا.
۲۷. Quay, H. C., & Peterson, D. R. (۱۹۸۷). *Manual for the Revised Behavior Problem Checklist*.
۲۸. شهیم، سیمیا؛ یوسفی، فریده؛ قنبری مزیدی، محبوبه. (۱۳۸۶). ویژگی های روانسنجی چک لیست تجدید نظر شده مشکلات رفتاری کوی و پترسون. روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، دوره ۱۳، شماره ۵۱، ۳۵۰-۳۵۸.

۲۹. شهنی ییلاق، منیجه؛ عالی پور، سیروس؛ پایندان، طیبه؛ بهروزی، ناصر. (۱۳۹۰). مقایسه تاب آوری، سلامت عمومی، پرخاشگری و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر دبیرستانی خانواده های طلاق و عادی شهر اهواز با کنترل وضعیت اجتماعی-اقتصادی. مشاوره کاربردی، دوره ۱، شماره ۱، ۷۹-۱۰۴.

۳۰. کاهنی، سیما؛ حسن آبادی، محسن؛ سعادت جو، سیدعلی رضا. (۱۳۷۹). بررسی اضطراب، افسردگی، پرخاشگری و بزهکاری نوجوانان ۱۲-۱۹ سال در خانواده های گسسته و پیوسته. مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، دوره ۱، شماره ۷، ۲۲-۲۸.